

متن پرسش

استاد بزرگوار سلام: اول بابت سوال سطحی و بی مقداری مثل این سوال، با توجه به سطح والای شخصیت شما پوزش می‌طلبم. ولی در شرایطی قرار دارم که مجبور شدم این سوال را برای شما ارسال کنم. زندگی من مثنوی هفتاد من کاغذ هست، ولی نکته‌ی مهم این است که من در طی چند سال اخیر در اعتقادات و حجاب خود تغییراتی ایجاد کردم و سعی کردم مطابق احکام دین، رعایت کنم. ولی از سمت همسرم بابت این تغییرات به خصوص حجاب به شدت مورد آزار هستم. ولی با تن بیماری که نتیجه‌ی سالها سختی و فشار در این زندگیست، تلاش می‌کنم تا بر اعتقادات خودم باقی بمانم و بهترین رفتار رو با همسرم داشته باشم. ولی متأسفانه این حجم فشار و آزار، باعث شده که رفتار تند و تلخی با کودک معصوم داشته باشم و هر چه تلاش می‌کنم تا با فرزندم خوش رفتار و صبور باشم، از نظر روحی و جسمی کم می‌آروم و شب‌ها با اشک و غم فراوان به خاطر پیشیمانی از خشم و خشونت نسبت به فرزندم، به خواب می‌روم. زمانی که از همسرم دورم رفتار بسیار خوب و مناسبی با فرزندم دارم ولی می‌دانم جدایی نیز به صلاح نیست. خیلی دعا کردم خدا به تن من شفا بدهد تا بتوانم این مصائب را به بهترین نحو بگذرانم، ولی نمی‌دانم چرا صلاح خدا بر بیماری من است. گاهی از خدا می‌خواهم تا اگر نبود من به فرزندم آرامشی می‌دهد، عمر من را به سر برساند. لطفاً من را راهنمایی نمایید تا بدانم چگونه بر آزارهای همسرم صبر کنم، بدون آنکه آزاری به فرزندم برسانم؟ ممنونم

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به حضور و بقایای نظر کنید که در بیکرانه وجود خود در آن حضور و بقاء حاضرید. و در همین راستا مانند دریایی گسترده و لطیف خواهید بود که با سعه صدر تمام با همسرتان برخورد می‌کنید بدون هرگونه مشاجره‌ای و فرزند خود را نیز چون دریایی که رودها را هرچند گل‌آلود باشند در بر می‌گیرد، در بر می‌گیرید. موفق باشید